

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: فرید پرواز

۲۹ اگست ۲۰۱۳

بحران سوریه از نگاه کمونیست های لبنان

اخبار روز: سایت حزب کمونیست لبنان گفت و گوئی با خانم «ماری ناصیف» درباره بحران سوریه انجام داده



است. «ماری ناصیف» معاون دبیرکل حزب کمونیست لبنان است.

رفیق ماری ناصیف- الدبیس: برای درک بحران سوریه، لازم است که همزمان به وضعیت داخلی آن کشور و ناآرامی‌هایی نیز که از زمان اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ منطقه را به جوش و خروش درآورده است توجه کنیم. واقعیت اوضاع داخلی سوریه این است که، اکنون دهها سال است که سیاست‌های حزب حاکم بعث با مخالفت مردمی روبه‌روست، اما مخالفان این سیاست‌ها با یک دیگر متحد نیستند. نخست، دموکرات‌ها و گروه‌های چپ‌اند که به‌رغم سرکوب‌ها و زندانی شدن‌ها، همیشه تلاش کرده‌اند تا در رویارویی با سیاست‌های موروثی حکومت [سوریه]،

سوءاستفاده از قدرت، فساد، و به‌ویژه سیاست‌های نولیبرالی که اقتصاد سوریه و به‌طور عمده کشاورزی کشور را به‌نابودی کشانده و صدها هزار تن از مردم سوریه را بیکار کرده است، جنبشی را به منظور انجام اصلاحات اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی به وجود آورند. علاوه بر این‌ها، گروه‌های اسلامگرای مخالف‌اند که در آن‌ها سنی‌ها اکثریت را دارند. این [گروه از] مخالفان سعی دارند با استفاده از مذهب، یا در واقع، از راه گرفتن قدرت از دست اقلیت علوی، خود به قدرت برسند.

چندین عامل خارجی نیز به چنین وضعیت داخلی بی‌ثباتی افزوده شد که یکی از آن‌ها، تلاش‌های امریکا برای درهم‌شکستن ائتلاف میان سوریه، ایران، و روسیه بود، که هدف آن پیشبرد طرح «خاورمیانه جدید» و برقراری کنترل کامل بر یک منطقه جغرافیایی استراتژیک بسیار مهم از لحاظ اقتصادی و دارای منابع نفت و گاز غنی است. این تلاش‌ها، علاوه بر برخورداری از حمایت اسرائیل، از حمایت و همکاری نیروهای فئودالی کشورهای حاشیه خلیج فارس که به‌هیچ‌وجه حاضر نیستند قدرت و حکومت خود را از دست بدهند، نیز برخوردارند. همه این‌ها، در به‌وجود آوردن گروه‌های اسلامگرا و سلفی کمک کردند که اینک در سراسر دنیای عرب حضور دارند. در این ارتباط، مطالعه و بررسی دقیق رهنمودهای سیاست خارجی واشنگتن - که در کتاب «صفحه شطرنج بزرگ» نوشته «زیبگنیو برژینسکی» توصیف شده‌اند و سرچشمه تنظیم سیاست خارجی ترکیه نیز بوده است - ضرورت پیدا

می‌کند.

البته باید گفت که، اینک، دو سال پس از آغاز بحران در سوریه، عامل‌های خارجی، در قیاس با عامل‌های داخلی، نقش غالب و پررنگتری دارند، و بنابراین می‌شود گفت که در حال حاضر، مناقشه در سوریه بین‌المللی شده است، و ناآرامی‌های کنونی، به لحاظ رویداد جنگ داخلی فرقه‌ئی، یادآور جنگ‌های داخلی در لبنان در فاصله سال‌های ۱۳۵۴ تا ۱۳۶۹ است. در شرایط کنونی، چنین جنگی، جنگی درازمدت و ویرانگر خواهد بود، که تنها به فروپاشی سوریه منجر خواهد شد.

آیا افراطگرایی مذهبی و حکومت‌های پادشاهی فئودالی کشورهای حاشیه خلیج فارس اکنون در دنیای عرب استیلای کامل دارند، یا این که نیروهای ترقی‌خواه خواهند توانست در میان مدت به پیروزی برسند؟

رفیق ماری ناصیف- الدبس: آنچه اکنون در سوریه می‌گذرد اندکی با وضعیت دیگر کشورهای عرب، از جمله مصر و تونس، متفاوت است. هر دو کشور مصر و تونس، از هر لحاظ، انقلابی را تجربه کردند، و بنیاد کار نیروهای مردمی که موجب این انقلاب بودند، برنامه‌ئی واقعی برای تغییر در تمام عرصه‌ها بود. درست است که این دو انقلاب برای مدتی به وسیلهٔ «اخوان المسلمین» و دیگر نیروهای سیاسی اسلامگرا که از سوی قطر و عربستان سعودی حمایت مالی می‌شوند به انحراف کشیده شدند، اما ادامهٔ خیزش مردمی در مصر (زیر شعار طرد حکومت بر اساس شریعت اسلامی) و تدارک خیزشی مشابه آن در تونس، نشان از آن دارد که نیروهای سیاسی دموکراتیک و ترقی‌خواه در جنبش مردمی جایگاه مؤثری دارند و وزنهٔ قابل توجهی‌اند، و در نتیجه می‌توانند به پیروزی برسند، و پیروزی آن‌ها، به‌ویژه در مصر، مسلماً در به حرکت درآوردن دیگر کشورهای عربی خاورمیانه بی‌تأثیر نخواهد بود. به همین دلیل است که ما بر این باوریم که، تلاش‌های جدید امریکا، و پول‌های عربستان سعودی و کویت [به مصر] (بیش از ۱۲ میلیارد دلار)، نخواهند توانست مانع چنین روند تغییری شوند، [یعنی روندی] که تا دست یافتن به شرط‌هایش و رسیدن به هدفش ادامه خواهد یافت.

نظر حزب کمونیست لبنان دربارهٔ حضور حزب‌الله و درگیر بودن آن در رخدادهای سوریه چیست؟

رفیق ماری ناصیف- الدبس: حزب کمونیست لبنان از همان آغاز بحران سوریه موضع‌گیری را دنبال کرده که بر پایهٔ تحلیلی است که پیش‌تر آن را توضیح دادم. این موضع‌گیری ما بر سه مورد نفی و یک مورد تأیید مبتنی بود: «نه» به راحل نظامی که رژیم حاکم آن را دنبال می‌کند؛ «نه» به جنگ داخلی فرقه‌ئی که از سوی برخی از مخالفان سلفی دنبال می‌شود؛ «نه» به هرگونه مداخلهٔ خارجی؛ و «آری» به راحل سیاسی داخلی بر پایهٔ انجام تغییرهای بنیادی و ریشه‌ئی.

ما وقتی دربارهٔ راحل داخلی در سوریه بدون دخالت خارجی صحبت می‌کنیم، معنایش این است که ما هم با دخالت حزب‌الله مخالفیم و هم با دخالت نیروهای سیاسی لبنان که در این امر با امریکا و عربستان سعودی متحدند (و رهبر آن‌ها، سعید حریری، نخست‌وزیر پیشین لبنان بود) مخالفیم. به همین دلیل است که از اوایل سال ۱۳۸۰، ما تأمین امنیت لبنان و حمایت سیاسی از ارتش لبنان را خواستار شدیم تا جلو استفاده از مرزهای کشورمان به‌منظور قاچاق اسلحه به شورشیان در سوریه را بگیرد. ما تنها حزب سیاسی کشور بودیم که اعلام کردیم: به‌سبب تفرقه‌های سیاسی و مذهبی، سیاست «بی‌طرفی» دولت تنها به‌وجود آمدن بن‌بست در مناقشه در لبنان، منجر خواهد شد.

بحران سوریه چه تأثیرهای عمده‌ای بر لبنان داشته است؟ حزب کمونیست لبنان برای حل و فصل مسألهٔ تفرقه اجتماعی در لبنان، چه شیوه‌ای به کار می‌برد؟

رفیق ماری ناصیف- الدبس: با توجه به روند شکل‌گیری و ادامه مناقشه در سوریه و تفرقه‌های فرقه‌گرایانه، که همیشه ریشه دشواری‌های لبنان نیز بوده است و امروزه به سوی برخورد سنی- شیعه می‌رود (که نه تنها عربستان سعودی، بلکه ایران نیز به آن دامن می‌زند)، ما بر این باوریم که، لبنان در معرض تهدید جنگ فرقه‌ای تازه‌ای قرار دارد که از سوی جناح‌های گوناگون بورژوازی لبنان- که رژیم سیاسی‌شان را بر پایه سهمیه‌بندی‌های فرقه‌ای استوار کرده‌اند- به پیش رانده می‌شود. خبرهایی که درباره انفجارهای نظامی گاهی در طرابلس، گاهی در البقاع، و گاهی در جنوب لبنان می‌خوانیم، یا خبرهای مربوط به موج تازه انفجار بمب‌های کار گذاشته شده در خودروها، با همان جنگ فرقه‌ای مرتبط است. به همین لحاظ است که شکل‌گیری گروه‌های سلفی را نیز شاهدیم، و از این جمله‌اند گروه‌هایی که در اردوگاه‌های پناهندگان فلسطینی به وجود آمده‌اند (مثل: گروه النصرة، که گروهی نزدیک به القاعده است). به همه این‌ها باید صدها هزار پناهنده سوری را اضافه کرد که به‌طور قانونی یا غیرقانونی به لبنان وارد شده‌اند (که بعضی از آنان وابستگی‌هایی هم به “ارتش آزاد سوریه” دارند). ورود این عده به لبنان دشواری‌های نظامی و اجتماعی فراوانی را در کشور کوچکی مثل لبنان می‌تواند به وجود آورد، که با به‌شمار آوردن ۴۰۰ هزار فلسطینی، جمعیتش فقط چهار و نیم میلیون نفر است.

طرح پیشنهادی حزب ما، با توجه به این وضع تهیه شده است. ما برپائی همایش سیاسی و اجتماعی زیر شعار: حفظ صلح و آرامش مدنی و تلاش در راه به‌وجود آوردن تغییرهای دموکراتیک، را خواستار شده‌ایم. گام نخست در این راه، تشکیل و برگزاری “کنفرانس ملی قانون اساسی” است. هدف از برگزاری این کنفرانس، زیر سؤال بردن خود اصول نظام سیاسی فرقه‌محور و ارائه پیشنهاد برای تدوین اصولی نوین بر پایه اصول دموکراسی و برابری است. نخستین اقدام، تغییر دادن مقررات فرقه‌محور خاص در قوانین مدنی، و هدف نهایی هم اصلاح قانون اساسی است.

شما خودتان چطور شد که وارد حزب کمونیست شدید؟

رفیق ماری ناصیف- الدبس: من فعالیت اجتماعی‌ام را در شانزده سالگی آغاز کردم، یعنی وقتی که مطالعه مارکسیسم را آغاز کردم. فهمیدم که عصیان من به ضد فقر و بی‌عدالتی، اسم دارد [مارکسیسم]، و بر اساس آن، می‌توان از راه کار و فعالیت سیاسی، جامعه بشری را تغییر داد. این شد که مطالعه را آغاز کردم و ادامه دادم، اما در عین حال درباره آنچه در لبنان و دنیای عرب می‌گذشت کنکاش کردم و به تحلیل مسأله تفرقه‌های مذهبی پرداختم، [یعنی مسئله‌ای] که همیشه مرا رنج می‌داد، به‌ویژه در ساعات‌های کلاس درس و پرسش و پاسخ‌های مذهبی (مسیحی) که مسلمانان اجازه شرکت در آن را نداشتند.

دو سال بعد، یعنی در سال ۱۳۴۶، من به حزب کمونیست لبنان پیوستم که [این زمان] با آنچه که ما از آن به نام “نبرد کنگره دوم” یاد می‌کنیم مصادف بود، [یعنی] نبرد برای بازگرداندن حزب کمونیست لبنان به مسیر تغییری دموکراتیک، چرا که ۲۵ سال بود که رهبری حزب برگزاری کنگره را معلق نگه داشته و به عقب انداخته بود. کنگره دوم کنگره‌ای بود که جان تازه‌ای به بدن کمونیسم در لبنان و در منطقه دمید. ما توانستیم مسیر حزب کمونیست لبنان را تصحیح کنیم، و آن را در جایگاه وحدت مبارزه طبقاتی و مبارزه برای رهائی ملی بنشانیم، که در آن، پیش از هر چیز، مسأله فلسطین مسأله مرکزی و محوری جنبش رهائی‌بخش عرب است.

جنبش کمونیستی، چقدر در عرصه سیاست لبنان و در جنبش کارگری لبنان قدرت و نفوذ دارد؟

رفیق ماری ناصیف- الدبس: جنبش کمونیستی، بنیاد جنبش سندیکائی لبنان بوده و است. از زمان جنگ جهانی دوم تا کنون، فعالان کارگری حزب کمونیست لبنان، بنیادگذار و مشوق همه اصلاح‌هایی بوده‌اند که در عرصه‌های

اجتماعی صورت گرفته است: قانون کار (۱۳۲۷)، تأمین اجتماعی و پزشکی (۱۳۴۲)، قانون بازنشستگی، و جز این‌ها. به‌علاوه، این فعالان کمونیست بودند که در اوایل دهه ۱۳۵۰ جنبش سندیکائی آموزگاران را پایه‌گذاری کردند. اکنون ۳۰ سال است که ما برای تغییر دادن مقررات خدمات و نهادهای مدنی، و از همه مهم‌تر آزادی‌های سندیکائی، مبارزه می‌کنیم. و البته نباید نقش کمونیست‌ها را در بخش کشاورزی، و فعالیت آنان را در میان کارگران کشاورزی و دهقانان تهی‌دست فراموش کرد.

حزب کمونیست لبنان موقعیت و جایگاه مناسبی در طبقه کارگر لبنان دارد. حزب ما پیشاهنگ مبارزه برای بهبود شرایط در روستاها بود. حزب ما تنها، یا قریب به‌یقین، تنها حزبی است که بر پایه حقوق اجتماعی غیرفرقه‌گرایانه فعالیت می‌کند. به همه این دلایل، حزب ما نفوذ چشمگیری بین توده‌ها دارد. بر اساس آمار موجود، ما کمی کمتر از ۱۲ درصد آرای انتخاباتی را داریم، با این‌همه، به علت وجود نظام انتخاباتی فرقه‌محور (سه‌می‌بندی نمایندگان برحسب فرقه‌های مذهبی) - [یعنی نظام انتخاباتی] که بورژوازی لبنان به منظور حفظ و ادامه انحصار قدرت خود در لبنان تدوین کرده است - هیچ نماینده‌ای در پارلمان نداریم. به همین دلیل است که ما، همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، راه الغای کامل نظام انتخاباتی فرقه‌محور را برگزیدیم، [نظامی] که بورژوازی خود را پشت آن پنهان می‌کند. بورژوازی هر بار که احساس می‌کند نظام قدرتش تهدید می‌شود، از این وضع برای به‌وجود آوردن تفرقه بین کارگران و توده‌های مردم استفاده می‌کند.

وضعیت حقوق زنان در لبنان، در قیاس با دیگر کشورهای عرب، چگونه است؟

رفیق ماری ناصیف- الدبس: از همان آغاز کار حزب کمونیست لبنان، مبارزه در راه حقوق زنان یکی از اولویت‌های برجسته حزب بود. علاوه بر این، جنبش زنان لبنان یکی از پربلندترین جنبش‌ها در جهان عرب است. زنان لبنانی یکی از نخستین زنان دنیا بودند که حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را برای خود به‌دست آوردند (در سال ۱۳۳۲).

اما رژیم لبنان هنوز به معضل واگذاری اختیارات و حقوق قانونی مرتبط با موقعیت سیاسی و خاص خود به رهبران فرقه‌های گوناگون مبتلاست. به همین دلیل، تبعیض همچنان عامل عمده‌ای در کشور ماست. این درست است که در ۱۲ سال گذشته حزب ما از راه مبارزه‌ای که با هدف تغییر دادن قوانین انجام داده است، گام بزرگی به جلو برداشته است، اما برای برقراری برابری حقوق زنان در جامعه و گرفتن سهمی متناسب برای زنان در نهادهای قدرت، ما هنوز راه درازی در پیش داریم (در پارلمان کنونی، در میان ۱۲۸ نماینده، فقط ۴ نماینده زن حضور دارد).

سؤال: چه امیدهایی برای جنبش کمونیستی لبنان در سال‌های آتی دارید؟

رفیق ماری ناصیف- الدبس: ما امیدواریم که بتوانیم در راه به‌وجود آوردن تغییرهای دموکراتیک ریشه‌ی در لبنان موفقیت‌هایی به دست آوریم تا رژیمی سکولار بر اساس حقوق مدنی در کشور برقرار شود. همچنین، ما امیدواریم در تلاش‌مان برای جلوگیری از غلتیدن لبنان در جنگ داخلی دیگر بتوانیم موفق شویم، و بالاخره این که امیدواریم باقی‌مانده سرزمین لبنان را که هنوز در اشغال اسرائیل است، آزاد کنیم. در این میان یک هدف هنوز باقی می‌ماند: اتحاد میان جنبش چپ عرب، که اکنون سه سال است برای رسیدن به آن تلاش می‌کنیم، تا بدین‌وسیله بتوانیم منابع، ذخیره‌ها، و ثروت‌های مان را از چنگ امپریالیست‌ها درآوریم، و پیشرفت اجتماعی ملت‌های مان را در مسیر رسیدن به سوسیالیسم تأمین کنیم.

بیروت، مردادماه [اسد] ۱۳۹۲ (جولای ۲۰۱۳)

اخيار روز:

سه‌شنبه ۵ شهريور [سنبله] ۱۳۹۲ - ۲۷ اگست ۲۰۱۳